

پیشگفتار

درد و ادب به تمامی دبیران و مدرسان گرامی و دانش آموزان دوست داشتنی و سخت‌کوش سراسر ایران پهناور با توجه به تغییرات صورت گرفته در شرایط برگزاری کنکور سراسری و **تأثیر سوابق تحصیلی** در ورود به دانشگاه و موسسات آموزش عالی، بر آن شدیم تا منبعی مطمئن برای یادگیری و آموزش اثربخش و سنجش و ارزیابی هدفمند و موثر فراهم کرده و مسیر دانش آموزان عزیز را جهت کسب **نمره (۲۰)** در تمام امتحانات پیش رویشان هموار سازیم.

درباره کتاب

مجموعه کتاب‌های **سیگنال ۲۰ خط سفید** برای تمام دروس پایه دوازدهم در ۳ رشته تحصیلی علوم ریاضی و فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی به تالیف و گردآوری رسیده و شامل ۴ بخش اصلی می‌باشد.

۱. آموزش (درسنامه کاملا کاربردی)

محتوای تالیفی درسنامه‌ها شامل تمام مطالب آموزشی مهم و کاربردی و مفاهیم اساسی و نکات کلیدی کتاب درسی بوده که موجب تسهیل فرآیند یادگیری شده و امکان **مرورهای سریع** و مانا و همچنین **جمع‌بندی‌های دوره‌ای** را در طول سال تحصیلی فراهم می‌سازد.

۲. سنجش (سوالات امتحانات نهایی و احتمالی)

به منظور بالا بردن سطح **توانایی و مهارت** دانش‌آموزان پایه دوازدهم برای پاسخگویی کامل و درست به پرسش‌های امتحانات گوناگون و تقویت یادگیری، سوالاتی در تیپ و قالب‌های متنوع **نهایی و تالیفی-احتمالی** گردآوری و تالیف گردیده است؛ که با تمرین و تکرار مداوم این سوالات، امکان شناخت **نقاط قوت و ضعف** دانش‌آموزان را در درس‌های مختلف فراهم می‌سازد.

۳. نمونه سوال امتحان (امتحانات ۲۰ نمره‌ای نوبت اول و دوم - نهایی و احتمالی)

علاوه بر مجموعه سوالات طبقه بندی شده، ۴ نمونه امتحان تالیفی-احتمالی نوبت اول (دیماه)، ۴ نمونه امتحان تالیفی-احتمالی نوبت دوم (خردادماه)، امتحان نهایی دوره های شهریور و دی ماه ۱۴۰۱ و امتحان نهایی دوره خرداد ماه ۱۴۰۲ برای بررسی و ارزیابی میزان یادگیری و ارتقاء هرچه بیشتر توانمندی دانش‌آموزان عزیز و کسب بهترین نتیجه فراهم شده است.

۴. پاسخنامه تشریحی آموزشی

پاسخنامه کاملا تشریحی و آموزشی سوالات در پایان کتاب برای تقویت یادگیری و کاهش حداکثری خطاها و اشتباهات احتمالی دانش‌آموزان آماده سازی شده است.

سیگنال بگیر تا بیست برو!

فهرست

بارم بندی

ردیف	عنوان	نمره
۱	مهارت واژه شناسی (لغت - مترادف و متضاد و...)	۲
۲	مهارت ترجمه به فارسی	۹
۳	مهارت درک و فهم (درک مطلب)	۲
۴	مهارت شناخت و کاربرد قواعد	۷
جمع		۲۰

درسنامه	سوال	پاسخنامه تشریحی
پیش‌نیاز و درس اول	۳	۵۲
درس دوم	۱۰	۵۳
درس سوم	۲۵	۵۴
درس چهارم	۳۱	۵۵

سوال	پاسخنامه امتحان
امتحان شماره ۱ (نوبت اول - احتمالی)	۱۶
امتحان شماره ۲ (نوبت اول - احتمالی)	۱۹
امتحان شماره ۳ (نوبت اول - احتمالی)	۲۱
امتحان شماره ۴ (نوبت اول - احتمالی)	۲۳
امتحان شماره ۵ (نوبت دوم - احتمالی)	۳۶
امتحان شماره ۶ (نوبت دوم - احتمالی)	۳۸
امتحان شماره ۷ (نوبت دوم - احتمالی)	۴۱
امتحان شماره ۸ (نوبت دوم - احتمالی)	۴۳
امتحان نهایی شهریورماه ۱۴۰۱	۴۵
امتحان نهایی دی‌ماه ۱۴۰۱	۴۷
امتحان نهایی خردادماه ۱۴۰۲	۴۹



درس نامه

پیش نیاز، ترکیبات و درس اول

پیش نیاز

فعل نفی:

لا + فعل مضارع
لا یدخل: داخل نمی شود.

فعل نهی:

لا + فعل مضارع (مجزوم شده) اگر «لا» با فعل غایب یا متکلم بیاید در ترجمه از لفظ (نباید) استفاده می شود و اگر با فعل مخاطب بیاید از امر منفی استفاده می گردد.
لا یتنظر: نباید نگاه کند. / لا تنظر: نگاه نکن.

فعل مستقبل:

سَدَ (سوف) + فعل مضارع
أذهبُ (می روم) / سأذهبُ: خواهم رفت.

فعل مستقبل منفی:

لَنْ + فعل مضارع
لنذهبُ (می رویم) / لنذهبُ: نخواهم رفت.

مضارع مجزوم به (لَمْ):

لَمْ + فعل مضارع
لَمْ یلعبُ (بازی می کند) / لَمْ یلعبُ: بازی نکرد (بازی نکرده است).

ماضی نقلی:

قَدْ + فعل ماضی
تَظَرْتُ (نگاه کردم) / قد تَظَرْتُ: نگاه کرده ام.
دقت شود: قَدْ + فعل مضارع
قد ینظر: گاهی نگاه می کند.

ماضی منفی:

ما + ماضی
ما فهِم: نفهمید.

ماضی بعید:

كَانَ + فعل ماضی
كانوا ذَهَبُوا: رفته بودند.

ماضی استمراری:

كَانَ + فعل مضارع
كانوا یذهبون: می رفتند.

ماضی استمراری (فارسی):

می + بن ماضی
می نوشت، می رفت

ماضی بعید (فارسی):

بن ماضی + ه + بودم، بودی....
رفته بودم. / نوشته بودی.

ترجمه اسم فاعل:

ترجمه اسم فاعل (بر وزن فاعل یا فاعی) یا (مُ حرکت عین الفعل کسره) ←
بن مضارع + نده (اره گر) نویسنده، بردبار، کارگر
فَاعِل: کشنده / مُعَلِّم: تعلیم دهنده

ترجمه اسم مفعول:

ترجمه اسم مفعول (بر وزن مفعول یا مفعی) یا (مُ حرکت عین الفعل فتحة)
← بن ماضی + ه + شده / مَقْتُول: کشته شده

ترجمه اسم مبالغه:

ترجمه اسم مبالغه (بر وزن فَعَالٍ یا فَعَالَةٌ) ← بسیار.....
عَفَّار: بسیار آمرزنده.

ترجمه اسم تفضیل:

ترجمه اسم تفضیل (بر وزن أَفْعَل، فُعَلی، أَقَل، أَفْعی) ← صفت + تر (ترین)
اکبر (بزرگتر، بزرگترین) / أَشَدُّ / الفُضلی / أبقی

اسم مکان:

اسم مکان ← وزنها
مَكْتَب / مَسْجِد / مَرْعَة / مَزَارِع / مَفَاعِل / مَفْعَلَة / مَفْعَل

ترکیبات

(الف) اضافی ← مضاف + مضاف الیه

(ب) وصفی ← موصوف + صفت

دقت شود: مضاف الیه و صفت (نقش یا محل اعرابی به حساب می آیند ولی مضاف و موصوف نقش نیستند.

راه تشخیص صفت ← در همه چیز از اسم قبل خود تقلید می کند.

راه تشخیص مضاف الیه ← حتماً اسم قبلش (الْ) و (تنوین) ندارد.

مثلاً: التفكير (مضاف الیه) / العلوم النافعة (صفت)

(دقت شود: العلوم جمع غیر انسان است و در حکم مفرد مؤنث می باشد).

فعل مجهول:

(الف) اگر فعل ماضی، مجهول شود: عین الفعل کسره و تمام حرکات قبل از عین الفعل ضمه می گیرد.

اِسْتُخْرِجُ ← اِسْتُخْرِجُ مجهول

(ب) اگر فعل مضارع، مجهول شود: عین الفعل فتحة و فقط حرف مضارعه ضمه

می گیرد: یُسْتَخْرِجُ ← یُسْتَخْرِجُ مجهول

ترجمه فعل مجهول:

اگر ماضی مجهول باشد از لفظ (شد) و اگر مضارع مجهول باشد از لفظ (می شود) استفاده می گردد.

اِسْتُخْرِجُ: استخراج شد / یُسْتَخْرِجُ: استخراج می شود

درس اول: حروف مشبهه و "لا" نفی جنس

(الف) حروف مشبهه بالفعل

(ب) لای نفی جنس

حروف مشبّهة بالفعل

این حروف بر سر جمله اسمیه می آیند و مبتدا را منصوب و خبر را مرفوع می کنند در این حالت به مبتدا اسم حروف مشبّهة بالفعل میگوئیم و به خبر خبر حروف مشبّهة بالفعل میگوئیم.

حروف مشبّهة بالفعل عبارتند از:

- **إِنَّ** (همانا - بدستیکه - قطعا - بی گمان)
 - **أَنَّ** (که، اینکه) **إِنَّ**
 - **كَأَنَّ** (گویی - مانند).
 - **لَيْتَ** (ای کاش)
 - **لَكِنَّ** (اما)
 - **لَعَلَّ** (شاید، امید است)
- مثال: **اللَّهُ عَلِيمٌ** (الله مبتدا - عليم خبر) ← **إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ** (الله اسم **إِنَّ** - عليم خبر **إِنَّ**)

انواع اسم حروف مشبّهة بالفعل

۱. اسم ظاهر: **إِنَّ الصَّلَاةَ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ** (الصلاة اسم **إِنَّ**)
۲. ضمیر بارز: **إِنَّهُ نَشِيطٌ** (ضمیر اسم **إِنَّ**)

انواع خبر حروف مشبّهة بالفعل

۱. خبر مفرد
۲. خبر جمله (فعلیه)
۳. خبر شبه جمله

نکات تکمیلی

خوب است بدانیم:

۱. گاهی به دنبال حروف مشبّهة بالفعل حرف (ما) می آید که به آن (ما ی کافه و بازدارنده می گویند یعنی مانع عمل حروف مشبّهة بالفعل میشود و مبتدا و خبر را به حالت خود (مرفوع) باقی می گذارد و هیچ تغییری ایجاد نمیکند. (در ترجمه فقط، تنها)

المؤمنون إخوه ← **إِنَّ** المؤمنین إخوه ← **إِنَّمَا** المؤمنون إخوه

۲. هرگاه یکی از حروف مشبّهة بالفعل بر سر ضمائر منفصل (هُوَ - هِما ... أنت ...) وارد شود، این ضمائر به ضمائر متصل معادل خود تغییر می یابند.

أَنْتُمْ مَوْمِنُونَ ← **إِنَّكُمْ** مومنون

أَنْتُمْ مُجِدُونَ ← **كَأَنَّكُمْ** مُجدون

دقت شود **كَانَ** با **كَانَ** اشتباه گرفته نشود.

۳. **إِنَّ** که معمولاً در آغاز عبارت می آید، بیانگر معنای تاکید است بنابراین جمله هایی که دارای (**إِنَّ**) می باشند در ترجمه فارسی معمولاً همراه کلماتی از قبیل: (همانا، برآستی حتماً و ...) می آیند و گاهی هم میتوانیم از آنها استفاده نکنیم.

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

(خداوند آمرزنده و مهربان است.)

۴. (**أَنَّ**) معمولاً در میان دو عبارت می آید و به معنای حرف ربط فارسی (که، تا، تا اینکه) است که دو عبارت را به همدیگر پیوند می دهد.

مثال: **عَلِمْتُ أَنَّ أَخَاكَ نَاجِحٌ**: دانستم که برادرت قبول است

۵. **لَيْتَ** بعضی اوقات به صورت **يَا لَيْتَ** استفاده می شود.

لَكِنَّ برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله ماقبل خودش استفاده میشود.

يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا: کافر می گوید ای کاش خاک بودم.

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ: همانا خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

هشدار!

لَكِنَّ را با **لكن** (بدون تشدید) اشتباه نگیرید. **لكن** حرف عطف بوده و جزو حروف مشبّهة بالفعل نیست و همراه فعلها هم استفاده می شود.

۶. (**لَيْتَ** و **لَعَلَّ**) + فعل مضارع = مضارع التزامی مثال: **لَيْتَ الشَّبَابَ يَعُودُ**: ای کاش جوانی برگردد.

۷. **لَيْتَ** + فعل ماضی = ماضی استمراری (یا ماضی بعید)

مثال: **لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ**: کاش ناصر از تنبلی دوری می کرد (دوری کرده بود)

۸. موارد کاربرد (**إِنَّ**)

• هرگاه در ابتدای جمله آورده شود مثال: **إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِكُمْ**

• بعد از فعل (قال) و مشتقات آن قرار گیرد مثال: **قَالَ إِنَّهُ عَلِيمٌ**

• بعد از منادی قرار می گیرد مثال: **رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا**

۹. انواع آن:

• **إِنَّ**: ابتدای جمله شرطیه می آید و فعل شرط و جواب آنرا مجزوم میکند ← **إِنَّ** يزرع يحصد

• **أَنَّ**: همراه فعل مضارع می آید و آن را منصوب می کند ← **أَنَّ** يُحَاوَل

• **إِنَّ**: ابتدای جمله اسمیه می آید و حالت تاکید دارد.

• **أَنَّ**: همراه جمله اسمیه به کار می رود و مثل حروف ربط دو جمله را به هم وصل می کند.

نتیجه: (**إِنَّ** و **أَنَّ**) همراه فعل نمی آیند.

لای نفی جنس

عاملی است که بر سر جملات اسمیه وارد میشود و مانند حروف مشبّهة بالفعل عمل می کند یعنی مبتدا را به عنوان اسم، منصوب و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع می کند.

لا ثمرة ناضجة: (هیچ میوه ای رسیده نیست) (ثمره اسم لای نفی جنس - ناضجة خبر لای نفی جنس)

فرق لای نفی جنس با «لَيْسَ» این است که لیس معنای ساده «نیست» را می رساند ولی «لا» معنای «هیچ... نیست» را می رساند و به نوعی نبودن چیزی را با تاکید و شدت می گوید:

ليس في قرينتنا طبيب: در روستای ما پزشکی نیست.

لا طبيب في قرينتنا: هیچ پزشکی در روستای ما نیست.

یادآوری

۱. (لا) نفی جنس بر سر جمله اسمیه وارد می شود. (لای نفی جنس + اسم نکره مفرد)

هشدار!

از مصدرهایی که ظاهرشان شبیه اسم می باشد مواظب باشید تا آنها را فعل نگیرید:
مثلاً لا تَفْعَلْ؛ لا تَعْلَمُ، لا تَبَادُلُ، و ...

۲. اسم لای نفی جنس همیشه مبنی بر فتح و محلاً منصوب است یعنی هیچ گاه تنوین نمی گیرد.

۳. اسم لای نفی جنس همیشه نکره است یعنی (ال) قبول نمی کند.

۴. خبر لای نفی جنس همیشه مرفوع است

۵. هیچگاه خبر لای نفی جنس بر اسمش مقدم نمی شود.

۶. در ترجمه لای نفی جنس غالباً از کلماتی هم چون (هیچ ... نیست) یا (اصلاً ... نیست) استفاده می کنیم.

یادآوری

• (لا) نفی: بر سر فعل مضارع قرار میگیرد و تغییری در آن ایجاد نمی کند (لا + فعل مضارع مرفوع) **مثال:** وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: و خدا می داند ولی شما نمی دانید.

• (لا) نفی: بر سر فعل مضارع قرار می گیرد و آن را مجزوم می کند (لا + فعل مضارع مجزوم)
مثال: لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ و ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ: از یک در وارد نشوید و از درهای مختلف وارد شوید

• (لا) نفی جنس: بر سر اسم در اول جمله اسمیه قرار میگیرد. (لا + اسم نکره)

مثال: لا تَلْمِذٌ فِي الصَّفِّ: هیچ دانش آموزی در کلاس نیست

• (لا) حرف عطف: بین دو اسم تنوین دار و یا دو اسم الـ دار قرار میگیرد (اسم + لا + اسم)

مثال: قرأتُ المجله لا الصحيفه: مجله را خواندم نه روزنامه را

• (لا) جواب به معنی (نه): در پاسخ به سوال (هل) و (أ):

مثال: آأَنْتَ مِنْ تَبْرِيْزٍ؟ لا، أَنَا مِنْ طَهْرَانَ

هشدار!

مواظب کلمه (ألا، آگاه باش) باشید که جزو هیچکدام از انواع لای ذکر شده نیست.

مثال: أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ

سوالات امتحان نهایی و احتمالی درس اول

الف) ترجم کلمات التي تحتها خط

۱- أَنْقَذَ إِبْرَاهِيمَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (خرداد ۹۸)

۲- شَعْرَتُهُ كَانَتْ خِرَافِيَّةً. (شهریور ۹۸)

۳- أَنْقَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ. (دی ۹۸)

۴- إِنَّ الْغَضَبَ مَفْسُودٌ. (خرداد ۹۹)

۵- كَثُرَ إِبْرَاهِيمَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ. (شهریور ۹۹)

۶- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمَ عَنْ سِيْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ. (شهریور ۱۴۰۰)

ب) عَيْنِ الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِفِ

۷- [الِكِبَار - السُّدَى - العُصُور - الصُّرَاع - الصُّغَار - النُّزَاع] (خرداد ۹۸) (..... =) (..... ≠)

۸- [عَلَا - الطَّعَام - الفَأْس - الغِذَاء - ظَهَرَ - رَخَّصَ] (شهریور ۹۸) (..... =) (..... ≠)

۹- [المُؤَخَّد - يَرخُصُ - المُتَوَّر - العُصُور - الحَنِيف - يَغْلُو] (دی ۹۸) (..... =) (..... ≠)

۱۰- [الصُّرَاع - الاَصْدِقَاء - الظُّرُوف - النُّزَاع - الأَعْدَاء - التَّزُول] (خرداد ۹۹) (..... =) (..... ≠)

۱۱- [الظُّهُور - الحَنِيف - الصُّرَاع - المُتَوَّر - المُؤَخَّد - السُّلَم] (شهریور ۹۹) (..... =) (..... ≠)

۱۲- [الغِذَاء - صُعُود - النُّزَاع - الطَّعَام - أَطْلَقَ - السُّلَم] (شهریور ۱۴۰۰) (..... =) (..... ≠)

ج) عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ

۱۳- أَلْفَمٌ الطَّيْن الرَّجُل الأَعْظَم (خرداد ۹۸)

۱۴- التَّقْوَش الرَّسُوم الْكِتَابَات الأَقْوَام (شهریور ۱۴۰۰)

۱۵- أَلْفِضَةٌ الطَّيْبَةُ الذَّهَب النُّحَاس (دی ۱۴۰۰)

د) أَكْتُبْ جَمْعَ الْكَلِمَةِ

۱۶- عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّتَمِ. (دی ۹۸)

هـ) أَكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَةِ

۱۷- الْقَرَى (دی ۱۴۰۰)

و ترجم عبارات الى الفارسية

- ۱۸- لا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا. (خرداد ۹۸)
- ۱۹- ثُمَّ عَلَّقَ الْقَاسُ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. (خرداد ۹۸)
- ۲۰- الحضارات القديمة تُؤكِّدُ إهتمامَ الانسان بالدين. (خرداد ۹۸)
- ۲۱- و يقول الكافر يا ليتني كنتُ تراباً. (شهریور ۹۸)
- ۲۲- لا دينَ لِمَن عهدَ له. (شهریور ۹۸)
- ۲۳- حاولَ ابراهيمُ أَنْ يُفِدَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (شهریور ۹۸)
- ۲۴- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ. (دی ۹۸)
- ۲۵- لا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. (دی ۹۸)
- ۲۶- كَتَمَ ابراهيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. (دی ۹۸)
- ۲۷- اِيْحَسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. (خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، شهریور ۹۹)
- ۲۸- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَتَةَ فِيهِ. (خرداد ۹۹)
- ۲۹- قَالُوا حَرْقُوهُ وَ انْضُرُوا آلِهَتَكُمْ. (شهریور ۹۹، خرداد ۱۴۰۰)
- ۳۰- اجابَ المديرُ؛ لا طالبَ هُنَا. (دی ۹۹)
- ۳۱- بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ ابراهيمُ اِستِهزاءً بِأَصْنَامِنَا. (دی ۹۹)
- ۳۲- فَهَذَا يَوْمُ النُّبُوحِ وَ لِكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. (دی ۹۹)
- ۳۳- آثَارُ الْقَدِيمَةِ تُؤكِّدُ اِهتمامَ الْإِنْسَانِ بِالدين. (شهریور ۱۴۰۰)
- ۳۴- فِي أَحَدِ الْأعيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ ابراهيمُ (ع) وَ حِيداً. (شهریور ۱۴۰۰)
- ۳۵- وَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدينِ حَنِيفاً. (خرداد ۱۴۰۰)
- ۳۶- أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتَانِ يَا ابراهيمُ. (خرداد ۱۴۰۰/دی ۱۴۰۰)
- ۳۷- لَا شُعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (خرداد ۱۴۰۰)
- ۳۸- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبياءِ. (دی ۱۴۰۰)
- ۳۹- اِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أديانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. (دی ۱۴۰۰)

ن ا انتخاب الترجمة الصحيحة

- ۴۰- و لا يَحْرُوكَ قَوْلُهُمْ. (دی ۹۸/شهریور ۹۹)
- الف) گفتارشان تو را اندوهگین نمی سازد. ب) نباید گفتارشان تو را اندوهگین سازد.
- ۴۱- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ (دی ۹۸)
- الف) افتخار، تنها به خردی استوار است. ب) به درستی که افتخار به خردی استوار است.
- ۴۲- اِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أديانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. (خرداد ۹۹)
- الف) این خرافات در دین مردم در زمان‌های مختلف زیاد می شود.
- ب) این خرافات در دین‌های مردم در گذر زمان افزایش یافت.
- ۴۳- أَجَابَ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! اسألوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. (خرداد ۱۴۰۰)
- الف) جواب داد: از من نپرسید، از بت بزرگ بپرسید.
- ب) جواب داد: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید.
- ۴۴- يا ليتني أذهب مرةً أخرى. (دی ۱۴۰۰)
- الف) کاش یکبار دیگر به حج بروم. ب) کاش بار دوم به حج رفته بودم.

ح گمل الفراغات في الترجمة الفارسية

- ۴۵- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ. (خرداد ۹۸)
- خشنود ساختن همه مردم هدفی است که
- ۴۶- و املأ الدنيا سلاماً شاملاً كُلَّ الجهاتِ. (خرداد ۹۸)
- فارگیر در همه جهت‌ها

۴۷- وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا. (شهریور ۹۸)

گفتارشان نباید تو را زیرا ارجمندی همه از آن خداست.

۴۸- رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ. (دی ۹۸)

پروردگارا، آنچه توانش را بر ما

۴۹- مَتَى الْمَزَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا. (خرداد ۹۹)

۵۰- وَ أَمْلَأَ الصَّدْرَ انْبِرَاحًا / وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ. (خرداد ۹۹)

و سینه را از و دهانم را با پر کن.

۵۱- وَ أَعْنِي فِي دُرُوسِي / وَ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ. (شهریور ۹۹)

و من را در درس‌هایم و تکالیف

(ی) تَرْجِمِ الْاَفْعَالَ وَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ

۵۲- جَالَسَ: هم نشینی کرد. (خرداد ۹۸)

لا تُجَالِسُوا الْاَشْرَارَ (.....) هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْاَعْدَاءَ (.....)

۵۳- تَكَلَّمَ: سخن گفت. (خرداد ۹۸)

مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الْاِمْتِحَانِ يَخْسِرُ (.....) اِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّيِّبِ عَنِ مَرَضِهِ (.....)

۵۴- اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست. (خرداد ۹۸)

اَيُّهَا النَّاسُ اِسْتَعْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ (.....) لَيَتَّبِعُنَّ يَسْتَعْفِرُونَ لِذُنُوبِهِمْ (.....)

۵۵- قَطَعَ: برید. (شهریور ۹۸)

كَانُوا يَقْطَعُونَ (.....) لَا تَقْطَعُ (.....)

۵۶- نَجَحَ: موفق شد. (شهریور ۹۸)

يَنْجَحُ (.....) سَوْفَ يَنْجَحُ (.....)

۵۷- شَاهَدَ: مشاهده کرد. (شهریور ۹۸)

لَنْ يُشَاهِدَ (.....) اَشْهَدُ (.....)

۵۸- اَجْلَسَ: نشانید. (دی ۹۸)

لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْاَفْعَالَ (.....) هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ (.....)

۵۹- شَاهَدَ: دید. (خرداد ۹۹)

لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئًا (.....) رَجَاءً شَاهِدُوا (.....) الْمُشَاهِدِ (.....)

۶۰- حَفِظَ: حفظ کرد. (خرداد ۹۹)

قَدْ حَفِظَنِي اِيْمَانِي (.....) كَانُوا يَحْفِظُونَ دَرَسَهُمْ (.....) الْمَحْفُوظِ (.....)

۶۱- اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست. (شهریور ۹۹)

اِنْتُمْ قَدْ اِسْتَعْفَرْتُمْ (.....) هِيَ مَا اِسْتَعْفَرْتُ (.....)

۶۲- تَقَرَّبَ: نزدیک شد. (دی ۹۹)

لَنْ يَتَقَرَّبَ (.....) لَا تَتَقَرَّبُوا (.....) كَانِ يَتَقَرَّبُ (.....)

۶۳- اَرْسَلَ: فرستاد. (دی ۹۹)

مَا اَرْسَلَ (.....) اَرْسَلُ (.....) لِيُرْسِلَ (.....)

۶۴- خَلَقَ: آفرید. (دی ۹۹)

خُلِقَ (.....) يَخْلُقُونَ (.....)

۶۵- عَفَرَ: آمرزید. (دی ۹۹)

الْمَغْفُورِ (.....) الْعَفَّارِ (.....)

۶۶- اِجْتَهَدَ: تلاش کرد. (خرداد ۱۴۰۰)

لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عِلْمِهِ (.....) هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ (.....) مِنْ فَضْلِكُمْ اِجْتَهِدُوا (.....)

۶۷- خَرَجَ: خارج شد. (شهریور ۱۴۰۰)

لَمْ يَخْرُجْ (.....) لَا تَخْرُجُوا (.....) هُوَ قَدْ خَرَجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ (.....)

۶۸- عَفَرَ: آمرزید. (دی ۱۴۰۰)

لَا يُعْفَرُ (.....) قَدْ عَفَرَ اللهُ عِبْدَهُ (.....) اللهُ هُوَ الْعَفَّارُ (.....)

(ك) أَكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ مَا تَحْتَهُ حَطُّ

- ٦٩- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرَ الْأَصْنَامِ. (شهر يور ٩٨)
٧٠- لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ. (خرداد ٩٩ / دى ٩٩)
٧١- أَضَعَفَ النَّاسَ مَنْ ضَعَفَ عَنْ كَيْمَانٍ سِرَّهُ. (شهر يور ١٤٠٠)
٧٢- آثَارُ الْقَدِيمَةِ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. (خرداد ١٤٠٠)
٧٣- عَدُوُّ عَاقِلٍ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ. (دى ١٤٠٠)

(ل) عَيْنُ نَوْعِ الْكَلِمَاتِ (اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم التفضيل - اسم المبالغة و اسم المكان)

٧٤- سُقُوطُ الْفِرَاحِ مَشْهَدٌ مُرْعِبٌ/دُبُّ الْبَانِدَا عِنْدَ الْوَلَادَةِ أَصْغَرُ حَجْمًا مِنَ الْفَأْرِ/إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَّارٌ وَ مُحْتَرِّمٌ.

٧٥- عَيْنُ. (الف) اسم الفاعل (ب) اسم المفعول (شهر يور ٩٨)

العَقَادُ أَدِيبٌ وَ مُفَكِّرٌ مِصْرِيٌّ، قَرَأَ فِي الْمَوْضُوعَاتِ الْكَثِيرَةِ.

(ج) اسم التفضيل (د) اسم المكان

هُوَ أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ.

٧٦- عَيْنُ نَوْعِ الْكَلِمَاتِ (اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم التفضيل - اسم المبالغة و اسم المكان) (دى ٩٨)

الْجِسْمُ الْقَوِيُّ يَجْذِبُ الْغِذَاءَ جَذْبًا مُنَاسِبًا/ الْعَقَادُ مِنَ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ. / أَحَدَ السِّيَارَةِ إِلَى مَوْقِفِ التَّصْلِيحِ / إِنَّهُ رَجُلٌ مُحْتَرِّمٌ.

٧٧- إِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ: (خرداد ٩٩)

(اسم المفعول، اسم الفاعل - اسم المبالغة - اسم المكان)

* أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِئَةَ كِتَابٍ

* لَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مُكَرَّرَةً.

* هُوَ رَجُلٌ عَلَامَةٌ

* شَاهَدْنَا مَانِعًا فِي الطَّرِيقِ

٧٨- إِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ (شهر يور ٩٩)

(اسم التفضيل - اسم الفاعل - اسم المبالغة - اسم المكان)

* رَأَيْتُ الْمُهَنْدِسَ فِي الْمِصْنَعِ وَ هُوَ يَرْكَبُ السِّيَارَةَ

* عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرَ الْأَصْنَامِ

٧٩- إِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ: (دى ٩٩)

(اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم التفضيل - اسم المكان)

* شَاهَدَ جَمَاعَةٌ أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ.

* عِنْدَمَا يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرَسًا قُرْبَ عُشِّهِ، يَتَّظَاهَرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. إِنَّهَا مِنْ أَعْرَابِ الْأَسْمَاكِ.

٨٠- أِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلَةِ (خرداد ١٤٠٠)

(اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم المبالغة - اسم المكان - اسم التفضيل)

* عَفَّرَ لِي رِيٌّ وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

* الطَّالِبَتَانِ تَقْرَأْنَ دُرُوسَهُمَا أَكْثَرَ مِنْ صَدِيقَاتِهِمَا. أَشْتَدُّ الْأَزْدِحَامُ أَمَامَ الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ

* الطَّبَاحُ وَصَعَ الطَّعَامَ عَلَى الْمُنْضَدَةِ

٨١- أِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ. (شهر يور ١٤٠٠)

(اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم المبالغة - اسم التفضيل)

* كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَما يَتَذَكَّرُ مَكَّةَ الْمَكْرَمَةَ يَشْتَاتُ أَنْ يَزُورَهَا

* إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَّارٌ فِي عَمَلِهِ

* إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ

٨٢- إِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ: (دى ١٤٠٠)

(اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم المكان - اسم التفضيل)

* وَالِدِي حِينَما يُشَاهِدُ - الْمَشْهَدَ يَشْتَاتُ إِلَى زِيَارَةِ مَكَّةَ الْمَكْرَمَةِ مَرَّةً أُخْرَى.

٨٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (دَى ٩٨)

١- تَمَثَّلَ مِنْ حَجَرٍ أَوْ حَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ <input type="radio"/>	(١) بَدَأَ يَتَهَامَسُونَ
٢- الْعَالَمُ الَّذِي لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَ حَدِيثَةٌ <input type="radio"/>	(٢) الظُّرُوفُ
٣- الْأَوْضَاعُ وَالْأَحْوَالُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا <input type="radio"/>	(٣) الْمُفَكَّرُ
٤- تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ <input type="radio"/>	(٤) الصَّنَمُ
	(٥) الْجَدِيرُ
	(٦) الْمَشْهَدُ

٨٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ (التَّدِينُ - يَضِيقُ - يَبْتَعِدُ - الْجَزَارَةُ - الْمَوْقِفُ) (خَرْدَادُ ٩٩)

الف) إِنَّ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ.

ب) تَمَثَّلَ مِنْ حَجَرٍ أَوْ حَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (الْفَأْسُ - الصَّنَمُ - التَّجْنُبُ)

ج) جمع (العَظْمِ): (العِظَامُ - العُظْمَاءُ - الأعْظِمُ)

د) أُرِ عَقْلِي وَ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ (نُورَانِي كُنْ - بِر كُنْ - بِي نِبَاز كُنْ)

٨٥- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ (الرَّأْسُ - يَضِيقُ - الْجَزَارَةُ - الْمَوْقِفُ - الْمُفَكَّرُ) (شَهْرِيور ٩٩)

الف) عَضُوٌّ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ

ب) عَيْنُ الْمُتَرَادِفِ «اسْتَطَاعَ» (عَلَا - نَامَ - قَدَّرَ)

ج) مُفْرَدُ العُصُورِ (العَصْرُ - العَصْرَةُ - العَصِيرُ)

٨٦- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ [عَلِمَ - يَرْخُصُ - كَانَّ - الْمُعْطَلَةُ - لَيْتَ - يَسْتَطِيعُ] (دَى ٩٩)

تَمَنَّى الْمَزَارِعُ: الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا

٨٧- عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأُ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ:

الصَّنَمُ تَمَثَّلَ مِنْ حَجَرٍ أَوْ حَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (دَى ٩٩)

٨٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ. (العَنْبُ - الظُّرُوفُ - الأنْفَاقُ - الثَّانِيَةِ - الغِلافُ - سُدِّيٌّ) (خَرْدَادُ ١٤٠٠)

لَا يَتَرَكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ

٨٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ. (يَطُوفُونَ - الْمَطَارُ - يَطْرُدُونَ - عَرَبِيَّةٌ - عَلَمٌ - الْحَنِيفُ) (شَهْرِيور ١٤٠٠)

..... تَارَكَ لِلْبَاطِلِ وَ مُتَمَائِلًا إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.

٩٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأُ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. (شَهْرِيور ١٤٠٠)

الف) عَلَّقَى إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.

ب) لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (دَى ١٤٠٠)

زمان امتحان: ۹۰ دقیقه	امتحان احتمالی نوبت اول	رشته: علوم تجربی - ریاضی	امتحان شماره عربی، زبان قرآن (۳)
نمره (۲)			<p>الف: مهارت واژه شناسی</p> <p>۱. تَرَجِمِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا. (الف) إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ الِاسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا. (ب) اتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحِجَابِ فِي عَرَاقَاتٍ!؟</p> <p>۲. اجْعَلِ فِي الْفَرَاعِينَ الْمُرَادِفَ وَالْمُتَضَادَّ. الزَّيْفُ / الْفُنْدُقُ / يَضُرُّ / سَتَرٌ (الف) أَظْهَرَ الْمُتَضَادَّ: (ب) الْقَرِيَةَ (الْمُرَادِفَ):</p> <p>۳. عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (الف) الْحَدِيدُ <input type="radio"/> (ب) اللَّحْمُ <input type="radio"/> (ج) النُّحَاسُ <input type="radio"/> (د) الْعِظْمُ <input type="radio"/> (هـ) الْغَضَبُ <input type="radio"/> (و) الذَّهَبُ <input type="radio"/> (ز) الْعَصَبُ <input type="radio"/></p> <p>۴. أَكْتُبْ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. (الف) شَرٌّ (الْجَمْعُ): (ب) شَعَائِرُ (الْمَفْرَدُ):</p>
نمره (۵)			<p>ب: مهارت ترجمه به فارسی</p> <p>۵. تَرَجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَةَ. (الف) الْخُرَافَاتُ إِزْدَادَتْ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ مِثْلَ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَتَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا. (ب) حِينَ زُرْتُ الْأَمَاكِنَ الْمُقَدَّسَةَ كَانَتْ تَمُرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي. (ج) الطُّلَابُ يَجْتَهِدُونَ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ رَاضِيِينَ وَ يُسَاعِدُونَ أَمَهَاتِهِمْ. (د) إِنَّ اللَّهَ لَدُوٌّ فَضَّلَ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (هـ) قَامَتِ الْبِنْتَانِ بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ فِي الْحَاسُوبِ وَ هُمَا تَبْتَسِمَانِ. (و) لَا يَسْتَطِيعُ صُعودُ هَذَا الْجَبَلِ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ. (ز) أَنَا مِنْ هَوَاةِ أَسْمَاكِ الزَّيْتِيَّةِ وَ لَكِنَّ تَغْذِيَّتَهَا صَعْبَةٌ عَلَيَّ لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرِيسَةَ الْحَيَّةَ. (ح) أَقِيمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (ط) إِنَّ سَيَّارَتَنَا مُعْطَلَةٌ فَاتَّصَلْتُ بِصَدِيقِي مُصَلِّحِ السَّيَّارَاتِ. (ي) إِنَّتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۶. (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) (۱) سرپرست شما خدا و رسولش فقط هستند و کسانی که ایمان می آورند کسانی که نماز برپا می دارند و زکات می دهند در حالی که در رکوع بوده اند. (۲) سرپرست شما تنها خدا و پیامبرش و کسانی هستند که ایمان آوردند کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. (ب) لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا</p> <p>(۱) جز آنچه به ما آموختهای هیچ دانشی نداریم. (۲) جز چیزی که به ما می آموزی هیچ دانشی برای ما نیست.</p> <p>۷. كَمَّلِ الْقُرْآنَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. (الف) أَثِيهَا جَهْلًا بِالنُّسْبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمٌّ وَ لِأَبٍ. ای که افتخار کننده به هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدراند. (ب) وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ و از بردباری و نماز (ج) لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا حج خانه [خدا] بر مردم بر کسانی که به سوی آن راه یابند است.</p>

الف: مهارت واژه شناسی

۱. تَرَجِمِ الكلمات التي تحتها خطً.

الف) مَنْ لَرِمَ الْمَنَامَ رَأَى الْأَحْلَامَ.

۲. اجْعَلْ في الفراغ المترادفِ و المتضادَّ.

الف) السَّهْلُ (المتضاد):

۳. عَيِّنِ الكلمة الغريبة في كُلِّ مجموعة.

الف) الحَمَامَةُ

الجرباء

الحرَج

الغرَاب

ب) الدَّم

الحديد

العَصَب

العَظْم

۴. اُكْتُبْ مُفرداً أَوْ جَمعاً الكلمتين.

الف) اَلْكَتَاب (مفردة):

ب) الخَيْمَة (جمعه):

ب: مهارت ترجمه به فارسی

۵. تَرَجِمْ هذه الجمل.

الف) كَانَ قَدْ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَاحِ الَّذِينَ كَانُوا يَأْتُونَ إِلَى مِصْرَ.

ب) لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ

ج) كَانَ الْعَقْدُ لَا يَرَى الْجَمَالَ إِلَّا الْخُرَيْيَّةَ وَ لِهَذَا لَا نُشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النِّشَاطَ عَلَى رِغَمِ ظُرُوفِهِ الْقَاسِيَةِ.

د) لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ..

هـ) هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

و) وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

ز) عِبَادَاتُ الْإِنْسَانِ وَ شَعَائِرُهُ فِي الْقَدِيمِ كَانَتْ خُرَافِيَّةً مِثْلَ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

ح) مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ

ط) شَاهَدْتُ جَمَاعَةً مِنَ الْمَسَافِرِينَ وَاقِفِينَ أَمَامَ الْمَسْجِدِ.

۶. اِنتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

الف) التَّجَارِبُ لَا تُغْنِينَا عَنِ الْكُتُبِ لِأَنَّ الْكُتُبَ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرِّ الْأَلْفِ السِّنِينَ.

ب) ما با تجربه‌ها از کتابها بی نیاز نمی شوم زیرا کتابها تجربه‌های آنها در طول هزاران سال هستند.

ج) تجربه‌ها ما را از کتابها بی نیاز نمی کند زیرا کتابها تجربه‌های آنها در گذر هزاران سال می باشند.

د) البائعون يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا فِي بَيْعِ الْبَضَائِعِ وَ لَا يَعْمَلُونَ إِلَّا بِالْعَدْلِ.

هـ) ۱) فروشنندگان با ما در فروختن کالاها خوب رفتار می کنند و تنها با عدل عمل می کنند.

و) ۲) فروشنندگان در فروختن کالاها خوب با ما معامله می کنند و با عدل کار می کنند.

۷. كَمِّلِ الْقُرَاطَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَةِ.

الف) مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبٌهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ

آموزگار و ادب آموزنده خویشتن از آموزگار و ادب آموزنده مردمان در ، است.

ب) تَصَطَّدِمُ الْفِرَاحُ بِالصُّخُورِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ وَ سَقُوطُ الْفِرَاحِ مَشْهُدٌ مُرْعِبٌ جَدًّا.

جوجه‌ها با صخره‌ها و جوجه‌ها صحنه‌ای بسیار است.

ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد

۸. تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ الْمُعَيَّنَةَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

الف) قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ فِي الصَّعَابِ / تَذَكَّرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ فِي الصَّعَابِ.

ب) مَنَعَتِ الطَّبِيبَةُ الْأُمَّ عَنِ الْمَوَادِّ السَّكْرِيَّةِ / اِمْتَنَعَتِ الْأُمُّ عَنِ الْمَوَادِّ السَّكْرِيَّةِ.

ج) الصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا / الصَّدِيقَانِ كَتَبَا الْوَاجِبَاتِ.



درس اول

(الف)

۱. بتها
۲. مراسم
۳. نجات داد
۴. مایه تباهی
۵. شکست
۶. روش و کردار، سرگذشت

(ب)

۷. (الکبار ۸ الصغار)
۸. (رَخَّصَ ۸ غَلَا)
۹. (يَرَخُّصُ ۸ يَغْلُو)
۱۰. (الأصدقاء ۸ الأعداء)
۱۱. (السَّلم ۸ الصَّراع)
۱۲. (السلم ۸ النزاع)
(النزاع = الصَّراع)
(الطعام = الغذاء)
(المُوَحَّد = الحنيف)
(الصَّراع = النزاع)
(المُوَحَّد = الحنيف)
(الغذاء = الطعام)

(ج) ۱۳. الطین

(د) ۱۴. الاقوام

(ه) ۱۵. الطینة

۱۶. اکتاف

۱۷. القریة

(و) ۱۸. جز آنچه به ما آموخته ای، هیچ دانشی نداریم. (برای ما نیست.)

۱۹. سپس تبر را بر روی شانه اش آویخت و معبد (عبادتگاه) را ترک کرد.

۲۰. تمدن های قدیم توجه انسان به دین را تأکید می کند.

۲۱. کافر می گوید: ای کاش من خاک بودم.

۲۲. هیچ دینی برای کسی که هیچ عهدی ندارد، نیست.

۲۳. ابراهیم تلاش کرد قومش را از پرستش بت ها نجات دهد.

۲۴. گویی رضایت مردم هدفی است که بدست آورده نمی شود.

۲۵. هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست.

۲۶. ابراهیم به جز بت بزرگ، همه بتها را در معبد شکست.

۲۷. آیا انسان گمان می کند که بیهوده رها می شود.

۲۸. هر غذایی که نام خدا بر آن برده نشود، هیچ برکتی در آن نیست.

۲۹. گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.

۳۰. مدیر جواب داد: هیچ دانش آموزی اینجا نیست.

۳۱. مردم شروع به پیچ کردن: قطعاً بت سخن نمی گوید و ابراهیم قصد مسخره

کردن بت های ما را دارد.

۳۲. این روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.

۳۳. آثار قدیمی توجه انسان را به دین تأکید می کند.

۳۴. در یکی از عیدها، وقتی قومش از شهر خود بیرون رفتند ابراهیم تنها ماند.

۳۵. با یکتاپرستی به دین روی بیاور

۳۶. ای ابراهیم آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟

۳۷. هیچ ملتی از ملت های زمین نیست مگر این که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.

۳۸. قرآن کریم در مورد سرگذشت پیامبران با ما سخن گفته است.

۳۹. این خرافات در گذر زمان در ادیان مردم بیشتر شد.

(ز) ۴۰. الف ۴۱. الف ۴۲. ب ۴۳. ب ۴۴. الف

(ح)

۴۵. گویی / بدست نمی آید. (حاصل نمی شود)

۴۶. صلی / پر کن ۴۷. ناراحت کند ۴۸. نداریم / تحمیل نکن

۴۹. آرزو کرد / کاش ۵۰. شادمانی / لبخندها ۵۱. انجام / یاری کن

(ط)

۵۲. همنشینی نکنید / همنشینی نخواهد کرد.

۵۳. سخن بگوید / سخن گفته ایم.

۵۴. آموزش بخواهید / آموزش بخواهند.

۵۵. می بریدند / نمی بریم

۵۶. باید موفق شود / موفق خواهد شد.

۵۷. مشاهده نخواهد کرد / مشاهده می کنم.

۵۸. نمی نشانی / نشانیدند

۵۹. مشاهده نکرد / مشاهده کنید / مشاهده کننده (بیننده)

۶۰. حفظ کرده است / حفظ می کردند / حفظ شده

۶۱. آموزش خواسته اید / آموزش نمی خواهند / آموزش نخواست.

۶۲. نزدیک نخواهد شد / نزدیک نشوید / نزدیک می شد.

۶۳. نفرستاد / بفرست / باید بفرستد.

۶۴. آفریده شد (مجهول) / می آفریند.

۶۵. آرزیده شده / بسیار آرزنده

۶۶. تلاش نکرد / شاید (گاهی) تلاش می کند / تلاش کنید.

۶۷. خارج نشد / خارج نشوید / خارج شده است.

۶۸. آرزیده نمی شود / آرزیده است / بسیار آرزنده.

(ک) ۶۹. فاعل / مضاف الیه ۷۰. فاعل / مفعول ۷۱. مفعول / مضاف الیه

۷۲. مبتدا / جارو مجرور ۷۳. صفت / خبر

(ل) ۷۴. مَشْهَد: اسم مکان / مَرْعَب: اسم فاعل / اصْغَر: اسم تفضیل / صَبَّار: اسم مبالغه /

مُحْتَرَم: اسم مفعول

۷۵. الف) مُفَكِّر: اسم فاعل / ب) موضوعات (مفردش موضوع): اسم مفعول / ج) اکثر: اسم تفضیل / المکتبۃ: اسم مکان

۷۶. مُنَاسِباً: اسم فاعل / اَهْمَ: اسم تفضیل / السیارة: اسم مبالغه / مَوْقِف: اسم مکان /

مُحْتَرَم: اسم مفعول

۷۷. المکتبۃ: اسم مکان / مَكْرَزَة: اسم مفعول / علامۃ: اسم مبالغه / مانِعاً: اسم فاعل

۷۸. المَصْنَع: اسم مکان / السیارة: اسم مبالغه / اصْغَر: اسم تفضیل / المَهْندس: اسم فاعل

۷۹. مُسْجِد: اسم مکان / مُفْتَرِساً: اسم فاعل / مَكْسور: اسم مفعول / اَعْرَب: اسم تفضیل

۸۰. المَكْرَمین: اسم مفعول / اکثر: اسم تفضیل / المَلْعَب: اسم مکان / الطباخ: اسم مبالغه

الطالبان: اسم فاعل

۸۱. مُسْلِم: اسم فاعل / المَكْرَمَة: اسم مفعول / صَبَّار: اسم مبالغه / اَعْجَب: اسم تفضیل

۸۲. والدی: اسم فاعل / المَشْهَد: اسم مکان / المَكْرَمَة: اسم مفعول / اُخْرَى: اسم تفضیل

(ن) ۸۳. ۴. ۱ ۳. ۲ ۲. ۳ ۱. ۴

۸۴. الف) التَّدْبِین (ب) الصَّنَم (ج) العِظام (د) نورانی کن

٨٥. الف الرأس (ب) قَدَرَ (ج) العَصْر
٨٦. لَيْتَ
٨٨. سُدَى
٩٠. الف خَطَأً
٨٧. صحيح
٨٩. الحنيف
ب) خَطَأً